

تحلیلی جامعه شناختی از نگرش زنان نسبت به مالکیت شخصی
(مطالعه موردی: نگرش زنان شهرستانهای نوشهر و چالوس)

قربانعلی آقا احمدی^۱، فریده میر محمدی^۲

چکیده

مقاله حاضر به منظور شناسایی و ارزیابی نگرش زنان نسبت به مالکیت شخصی به عنوان یکی از مهمترین اهرمهای کسب قدرت و تصمیم گیری در درون خانواده تهیه و تدوین گردیده است. نگرش به عنوان نوعی از معرفت که بر پایه محاسبات احساسی، عاطفی و شناختی و ارزیابی عملکردها شکل می گیرد و طبیعتاً در روابط میان اعضای خانواده و حتی ایفای نقش ها موثر می افتد. براین اساس ابتدا ضمن انجام مطالعه مقدماتی و مصاحبه با افراد مطلع و داوران، و تصحیح پرسشنامه و باکسب نمره روایی ۷۵ درصدی، از میان جامعه آماری مورد مطالعه، ۶۴۰ نفر نمونه به روش نمونه گیری خوشه ای، با نمونه اخذ نمونه گیری تصادفی ساده انتخاب شدند. آنگاه داده ها و اطلاعات مورد نیاز با استفاده از اسناد و مدارک به ویژه تکنیک پرسشنامه جمع آوری، و نیز از نرم افزار SPSS جهت آزمون های آماری استفاده شد. یافته های تحقیق نشان می دهد که نمره نگرش زنان در شهرستان نوشهر چالوس نسبت به مالکیت شخصی در حد بسیار بالایی است. متغیرهایی چون احساس امنیت در زندگی خانوادگی و اجتماعی، میزان اقتدار، نوع ارزیابی از مالکیت شخصی، سطح تحصیلات و موقعیت خانوادگی و شغلی در اخذ نمره بالای نگرش موثر بوده اند. آنچه از تحقیق حاضر به عنوان نتیجه می توان مطرح ساخت این است که عوامل ساختاری و کارکردی بر نگرش افراد نسبت به مالکیت تاثیر بسیاری برجای می گذارد، و هرچه افراد در مناسبات و روابط اقتصادی - اجتماعی بیشتر درگیر شده باشند، نمره بیشتری نسبت به مالکیت شخصی اخذ می کنند.

کلید واژه: نگرش، انتظارات فایده، ارزیابی فایده، مالکیت شخصی، اقتدار، احساس امنیت، موقعیت اجتماعی و خانوادگی.

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۸۸/۹/۱۱

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۸/۸/۳

۱- عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد چالوس (نویسنده عهده دار مکاتبات) Ahmadyali33@yahoo.com

۲- دبیر آموزش و پرورش شهرستان نوشهر

مقدمه

تحقیق حاضر در صدد شناخت و ارزیابی نگرش زنان ساکن در شهرستانهای نوشهر و چالوس نسبت به مالکیت شخصی است. از این رو سعی بر این است از طریق شناخت این مقوله، زمینه مساعدی در جهت مهندسی و طراحی روابط اجتماعی در روند تحول مناسبات زوجین و اعضای خانواده فراهم آورد. انجام چنین تحقیقاتی در دنیای معاصر ریشه در تغییرات بر آمده از فعالیت های توسعه ای و صنعتی جامعه، جهت اتخاذ تصمیمات مهم و اساسی در برنامه ریزی های اجتماعی و فرهنگی دارد.

اگر چه تلاش برای شناخت نگرشهای اجتماعی بمنظور شفاف سازی علل بروز وقایع صورت می گیرد؛ با این حال اتخاذ رویه مناسب در مکانیسم تصمیم گیری و تصمیم سازی های مختلف، سالهای مدیدی است که مورد توجه قرار گرفته است. امروزه با رویکردی جدیدتر و در قالب بررسی علمی در حوزه عقاید و نگرش های افراد نگریسته می شود تا از این روزنه، تغییرات و دگرگونیها، نتایج و تبعات احتمالی، روند و فرایند ساختاری آنها در طول زمان بررسی و تحلیل گردد. بهمین منظور در این متن بخشی از پیکره جامعه در حوزه ای خاص مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است.

زندگی خانوادگی و مناسبات اعضای آن، به عنوان مهمترین جنبه اجتماعی زندگی انسانها، طی قرون متمادی، به دلیل اهمیت و نقش کلیدی آن ضمن قبول دگرگونی ها و تحولات بسیار، همواره پایدار و مستحکم باقی مانده است. جهان شمولی و عمومیت خانواده، نشانه ای از ریشه و بنیاد عزم نوع بشر در معرفی آن به عنوان مهمترین نهاد اجتماعی است که، ضمن برآورده ساختن شرایط بقاء و تداوم نسل، در ایجاد محیطی امن و صمیمی، برای گروه انسانی، اهمیت فراوانی را از خود به نمایش گذاشته است. شناخت نگرش افراد خانواده، سیر تحول، زمینه ها و شرایط دگرگونی آن، می تواند بستر بهسازی و مرجعی مناسب جهت تبلور روابط انسانی و اخلاقی به حساب آید.

گسترش سازمانها و نهادهای رقیب (با عنایات به همه امکانات وسیع)، موجب چالش و دگرگونی ساختار نهاد خانواده را فراهم نموده است. اما با این حال رقابت های بیرونی، به عنوان شرایط حاکم، نتوانسته است کل ساختار خانواده را دچار دگرگونی عمیق نماید. اما پدیده هایی چون صنعتی شدن، شهر نشینی، تخصص گرایی و در کنار خروج اعضای خانواده به منظور

کسب تحصیل، اشتغال و... موجب گردیده تا با ورود اعضاء به محیط‌های ناهمگون و قرار گرفتن هر یک از آنان در جریان جامعه‌پذیری مجدد، اجتماعی شدن و یادگیری‌های «جدید» زمینه را برای دگرگونی در ساختار کنونی به طور کامل و وسیع فراهم آورند.

در این میان مورد خاص و ویژه اثر گذار بر این روند این است که خروج زنان از خانه و وارد شدن به محیط بیرونی - اجتماعی، سازمانها و کارخانه‌ها و در کنار آن گسترش وسایل ارتباط جمعی و گسترش رقابتهای باعث شده که زنان نسبت به دوره‌های گذشته، با رویکرد، معرفت و نگرشی جدید به مسایل درونی، پیرامونی و دنیا نظر افکنند. نگرشی معرفتی که زمینه دگرگونی در ساختار هرم قدرت، و کارکرد و ساختار خانواده و جایگاه اعضای آنرا به شکل بسیار جدی فراهم نموده است.

در پژوهش حاضر، معرفت و نگرش زنان نسبت به مالکیت شخصی مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است. تانسان داده شود که در طول تاریخ مالکیت را که به عنوان یکی از منابع اصلی قدرت محسوب می‌شود و طی سالیان متمادی متعلق به مردان (پدران که سالار خانواده نامیده می‌شدند) بوده که سالار بودن و قدرت پدران، از متن این مالکیت منشاء می‌گرفته است، دچار چالش نماید. امروزه به دلیل تغییرات و تحولاتی که در ساختار جامعه و نظام اجتماعی ایجاد شده، مالکیت به مقدار زیادی مورد توجه و عنایت زنان (همسران و مادران) قرار گرفته است، از همین رو تغییراتی را در موقعیت و جایگاه خانوادگی و اجتماعی اعضاء به وجود آورده است. پژوهش حاضر در شهرستان‌های نوشهر و چالوس برای سنجش نگرش زنان نسبت به مالکیت شخصی به اجرا در آمده است تا نمونه‌ای از این دگرگونی و تغییر در نگرش را مورد بررسی قرار دهد.

بیان مسأله

خانواده یکی از ارکان اصلی و از جمله نهادهای بنیادین هر جامعه به شمار می‌رود. به همین دلیل باید خانواده را به عنوان ثبات بخش ساختار جامعه و پایه مستحکم مناسبات و روابط متقابل پایدار اعضاء و مبدأ بنیادین ظهور شخصیت انسانی به حساب آورد.

با نگاهی کوتاه به آثار فلاسفه، اندیشمندان و جامعه‌شناسان می‌توان با صراحت اعلام کرد که هیچ یک از این نظریه پردازان که دغدغه مسائل انسانی و عاطفی و دینی داشته اند، خانواده و مباحث مربوط به آنرا در آثار خویش فراموش نکرده اند بر همین اساس هر یک از متفکرین از

زاویه ای و با دیدی خاص به مطالعه آن پرداخته اند. بر این مبنا جامعه شناسان از دو جهت به مطالعه خانواده علاقه نشان می دهند: از یک سو روابط میان فرد و جامعه در قالب مسائلی چون اجتماعی شدن، فرهنگ پذیری، روابط متقابل فرهنگ و شخصیت، و شکل گیری شخصیت اساسی در هر جامعه، و از سوی دیگر بحث ساخت خانواده و نظام خویشاوندی است که در مقیاس وسیع که بر روی ساخت کل جامعه منعکس می شود، مورد توجه است (توسلی، ۱۳۶۸، ص ۶).

در دنیای امروز مسایل بسیاری در پیرامون خانواده مطرح است از آن جمله: انواع خانواده، نحوه تحول و دگرگونی، ساخت و کارکرد خانواده، معیارها و ارزش ها و فرهنگ حاکم بر خانواده، صورتهای مختلف نگهداری و تربیت فرزندان، مناسبات نسلی و آسیب های خانوادگی و نظام گسیختگی خانواده و غیره بیانگر مسائل پیرامون خانواده است. پیدایش سازمان ها و موسسات و ورود آثار و عوارض آنها به درون خانواده، ایفای نقش را برای اعضاء مشکل ساخته است. در مواردی حاد "به استعفای مادر از نقش خویشتن و نیز تکوین عوارضی چند نظیر پرستارمادری انجامید. تمامی این شرایط موجب گردید که خانواده با انفجار نقش هایش مواجه شود... و به سوی آزادی بیشتر زوجین و تشابه تدریجی نقش های زن و مرد پیشمی رویم" (ساروخانی، ۱۳۷۰، ص ۱۷).

بنا بر این در کنار توسعه گروهها و سازمانها و اشتغال زنان در بیرون از خانواده، می توان به گسترش نظام صنعتی و تکنولوژی های مدرن اشاره کرد که باعث تحول و دگرگونی عمیق در الگوهای زندگی، شیوه کار و تولید، مصرف، ارتباطات، نگرشها شده است که در نتیجه آن خانواده از صورت اولیه خود خارج گردیده است. بنابراین در بحث مربوط به دگرگونی و تغییرات خانواده می توان به ابعاد مختلف آن اشاره کرد: بعد نهادی خانواده شامل مباحثی چون توجه به جنبه های زیستی و حراستی نسل، مطرح شدن نهاد خانواده در کنار سایر نهادها است. بعد دیگر، اثرات و کنش های اعضای خانواده، به عنوان یک نظام مرکب از نقشها و یا پایگاههای متقابل که بر اساس انتظارات متقابل نقشی استوار شده مورد توجه قرار می گیرد و نهایت اینکه مسئله رشد اعضاء در قالب یک بعد روانی - نگرشی که در درون آن می توان به این امر قائل شد که بشر در کنار کنشهای متقابل دارای یک ظرفیت خاصی است که میتواند در هر وضعیت اجتماعی از سطح ساده محرک - پاسخ خارج شده و با اعمال فردیت و خصلتهای فردی در درون خانواده عمل نماید.

بنابراین به تعبیر اریک فروم «انسان گر چه فاقد الگوهای هدایت‌کننده‌ی غریزی است اما نسبت به «وجود خویش»، «خود آگاهی» دارد. و یا استمداد از تواناییهای مغزی و عصبی اسباب معرفت نسبت به خود یا خودآگاهی را فراهم می‌سازد (فروم، ۱۳۷۵، ص ۱۳). از یک طرف انسان موجودی نیازمند بوده و برای نیازهای خود راههایی را بر می‌گزیند. برای رفع این نیازها باید شرایط اجتماعی و هنجارهایی را در نظر گرفته و آنها را درونی سازد و به تعبیر فروم «همسانی خویش با جامعه» صورت بگیرد که خود زمینه رفع نیاز را فراهم می‌کند. از طرف دیگر در تشکیل نوع نیاز و نحوه مرتفع ساختن آن، نیازمند برقراری روابط اجتماعی با دیگران است. «اما این فرایند درونی و بیرونی کردن، گذاری مکانیکی و ساده نیست. انسان به رغم خردمند بودن، آنچه را که آگاهانه و ناآگاهانه تحت تأثیر شرایط اجتماعی فرا می‌گیرد، به همان شکل در رفتار خود نشان نمی‌دهد. بلکه مُدرکات خود را در ضمن پوش «اجتماعی شدن» با میزان شناخت، خود آگاهی و خود خویشتن می‌آمیزد و پالایش می‌دهد. بدین گونه است که طبیعت انسان در قالب منش او به شکل روابط اجتماعی جلوه گر می‌شود» (تنهایی، ۱۳۷۴، ص ۶۲۰).

به این ترتیب انسانها در فرایند زندگی خود با پدیده‌هایی مواجه می‌شوند و در اثر تعامل با اشیاء و پدیده‌ها و انسانها، پیرامون مسائل مختلف، شناختها و معرفتهای معین و احساسات ویژه‌ای پیدا می‌کنند. ترکیب این معرفتها (باورها و عقاید) و احساسات (اعم از هیجانها و عواطف)، زمینه‌ای برای آمادگی افراد به عمل به آن (تمایلات) ایجاد می‌کند که «نگرش» شخص را ساخته و پردازش می‌نماید.

بنابر این مطالعه نگرشها که بر رفتار افراد تأثیر انکارناپذیری دارد، امری بسیار مهم و اساسی است. زیرا تغییر نگرش افراد نسبت به امور و پدیده‌های مختلف می‌تواند سرآغاز تعدیل رفتار در همه بخشهای زندگی باشد. پس خانواده در طول تاریخ همواره ضمن تغییر، توانسته است بنیان و ساختار و کارکرد اصلی خود را حفظ نماید. در مواجهه با این سؤال لوئیز مورگان گفته است: «آیا این صورت کنونی خانواده پایدار خواهد ماند؟» باید پاسخ داد که تغییر در ذات خانواده و نظام اجتماعی است. اما این تغییر با سوگیری ویژه و جدیدی مواجه شده است.

در این میان بایدادعان داشت با توجه به نشانه‌های برآمده از رفتار و نگرش زنان، زمینه گسترش سطح سواد در میان زنان، ورود آنان به عرصه اجتماع، تغییر در شیوه تولید و نظام تقسیم

کار و مهمتر اینکه در نگرش سنتی نسبت به مسایل اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی از جمله مالکیت شخصی موجب تغییرات شگرفی شده است.

همانطوری که گفته شد تغییر در نگرش زمینه تغییر در رفتار را موجب خواهد شد. لذا این تحقیق به دنبال بررسی این پرسش هاست که نگرش زنان نسبت به مالکیت شخصی چگونه است؟ آیا داشتن مالکیت شخصی برای زنان مهم است؟ زنان با پایگاههای مختلف به این مسأله چگونه می اندیشند یا تفاوت نگرش زنان شهری و روستایی نسبت به مالکیت شخصی چگونه است؟ رابطه اهمیت مالکیت شخصی با اقتدار و قدرت زنان چگونه است؟

در ضرورت پژوهش حاضر همین بس که روشن شود که اعضای خانواده درباره این دگرگونی ها چگونه فکر می کنند و آنرا چگونه ارزیابی می کنند چون این امر بسیار مهم و حیاتی است. زن و مرد در سایه فرهنگ و جامعه با تشکیل خانواده همراه و همگام با یکدیگر به فعالیت می پردازند و نقشهای ساختی خود و دیگران را با عنایت به فرایند اجتماعی شدن و نهادینه شدن الگوها، می پذیرند. بنابراین رعایت این نکات می تواند ساختار خانواده را مستحکم تر نماید. این وضعیت که ترکیبی از مسئولیتهای سنتی و قبول مسئولیتهای جدید توسط زنان است موجب گردیده است که نحوه شناخت و ارزیابی هایشان از زندگی، موقعیت اجتماعی، آرمانها و بالاخره نگرششان به طور کلی تغییر یابد و این تغییر نگرش منشأ پیدایش بسیاری از تغییرات دیگر باشد.

بر این اساس عدم شناخت این تغییر نگرش و طبیعتاً عدم آمادگی نهادها و سازمانهای جامعه با این تغییر، بحرانی در روابط زن و شوهر، نظام حقوقی و تعلیم تربیت و وظایف سایر سازمانهای ذیربط ایجاد می نماید. پس شناخت دقیق نگرش زنان نسبت به مسائل مختلف از جمله مالکیت شخصی و نحوه ارزیابی آنان از این امور می تواند برنامه ریزی را مطلوب و همچنین شناخت راه حلها را در مواقع بحرانی برای جامعه، خانواده ها و تصمیمات حقوقی و قانونی مناسب فراهم آورد. بدین ترتیب ارزیابی [۱] نگرش [۲] زنان به عنوان عنصری حساس از یک مجموعه بهم پیوسته یعنی جزئی از یک نظام بزرگتر می تواند نقش تعیین کننده داشته باشد. لذا با سنجش هر چه بهتر این نگرش و بر پایه اطلاعات صحیح می توان زمینه تحلیلی درست از مسایل، مشکلات مربوط به زنان و مردان و خانواده و در نهایت روابط اجتماعی و جامعه را فراهم کرد.

فرضیه های تحقیق

فرضیه های مورد تحقیق در این پژوهش عبارتند از:

تحلیلی جامعه شناختی از نگرش زنان نسبت به مالکیت شخصی..... ۶۱

فرضیه ۱: نظر می رسد بین موقعیت خانوادگی افراد و نوع نگرش آنان نسبت به مالکیت شخصی مورد مطالعه رابطه معنی داری وجود دارد.

فرضیه ۲: به نظر می رسد بین موقعیت اجتماعی افراد و نوع نگرش آنان نسبت به مالکیت شخصی رابطه معنی داری وجود دارد.

فرضیه ۳: به نظر می رسد بین احساس امنیت زنان در زندگی و نوع نگرش آنان نسبت به مالکیت شخصی رابطه معنی داری وجود دارد.

فرضیه ۴: به نظر می رسد بین میزان اقتدار افراد و نوع نگرش آنان نسبت به مالکیت شخصی رابطه معنی داری وجود دارد.

فرضیه ۵: به نظر می رسد بین نحوه ارزیابی افراد از مالکیت و میزان نگرش آنان رابطه معنی داری وجود دارد.

فرضیه ۶: به نظر می رسد بین انتظارات دیگران از فرد و نمره نگرش وی نسبت به مالکیت شخصی رابطه معنی داری وجود دارد.

فرضیه ۷: به نظر می رسد بین سن زنان و نگرش آنان به مالکیت شخصی رابطه معنی دار وجود دارد.

فرضیه ۸: به نظر می رسد بین وضعیت سکونت افراد مورد مطالعه و نوع نگرش آنان نسبت به مالکیت رابطه معنی داری وجود دارد.

فرضیه ۹: به نظر می رسد بین اشتغال زنان و نگرش آنان به مالکیت رابطه معنی دار وجود دارد.

فرضیه ۱۰: به نظر می رسد بین سن شوهران و نگرش زنان به مالکیت شخصی رابطه معنی دار وجود دارد.

فرضیه ۱۱: به نظر می رسد بین متراژ مسکن مورد سکونت افراد و نگرش زنان به مالکیت رابطه معنی دار وجود دارد.

فرضیه ۱۲: به نظر می رسد بین نوع مالکیت خانه افراد و نگرش زنان به مالکیت رابطه معنی دار وجود دارد.

فرضیه ۱۳: به نظر می رسد بین داشتن یا نداشتن ماشین و نوع نگرش زنان به مالکیت رابطه معنی دار وجود دارد.

فرضیه ۱۴: به نظر می رسد بین میزان رضایت از همسر و نوع نگرش زنان نسبت به مالکیت شخصی رابطه معنی داری وجود دارد.

چارچوب نظری

هدف از بررسی و ارائه چهارچوب تئوریک آن است که از طریق آن بتوان در پرداخت و تعیین متغیرها و روابط میان آنها و تدوین فرضیه و چگونگی بهره گیری از آن و همچنین تنظیم و طراحی خط راهنمای تحقیق و یا خط کش و معیاری برای بررسی مسائل مختلف از آن استفاده

۶۲..... پژوهش نامه علوم اجتماعی، سال دوم، شماره سوم، پاییز ۱۳۸۷

کرد. در این راستا ابتدا درباره ساختارواژه "نگرش" به منظور روشن ساختن فضای مفهومی، مطالبی ارائه می شود. با تعمق در ساختار نگرش می توان سه عنصر کلیدی و مهم و حساس را از هم متمایز کرد.

۱- عنصر احساس یا عاطفی: این عنصر یعنی (sensation) اولین پرسش، مقدماتی ترین نوع شناخت، یعنی نوعی صورت پردازی و ترسیمی از آنچه که در واقع هست» (رفع پور، ۱۳۷۲، ص ۶) به تعبیری دیگر این بخش از نگرش انسانی که در آن « معمولاً نوعی احساس عاطفی به باورهای ما پیوند دارد» شکل و محتوای نگرش را در بر می گردد. و به صورت کاملتری می توان گفت که: بعد احساس « یعنی انسان بر اساس احساس (و نه بر اساس تفکر و حسابگری) قضاوتها و یا عکس العملهای ارزیابی کننده نسبت به پدیده های اطراف خود از خود نشان می دهد (کریمی، ۱۳۸۶، ص ۲۲۴)

۲- عنصر شناختی: این عنصر نشان دهنده اطلاعات و آگاهی های فرد درباره یک موضوع خاص است یعنی « انسان در ذهن خودش می داند، یک چیز به چه علت خوب است یا بد.» (تنهایی، ۱۳۸۶، ص ۲۸) و یا در تعبیری دیگر « عنصر شناختی شامل اعتقادات و باورهای شخصی درباره یک شی یا اندیشه است.» بنابراین در این مرحله از شناخت مهم ادراک است که شناخت ما را معنادار می کند: « ادراک فرایندی است که ما می توانیم داده را به تعبیری قابل لمس، قابل فهم و به شکلی که بشود با دیگران ارتباط برقرار کرد تبدیل کنیم (همان، ۳۰).

۳- تمایل به عمل: به این معناست که وقتی انسانی در برابر محرکهای بیرونی قرار می گیرد و بر اساس شناخت و نوع احساس که به وی دست داد، خود را در حالت آماده باش قرار دهد که در صورت لزوم عکس العمل ویژه در برابر صورتهای بیرونی داشته باشد.

در نهایت باید گفت که تفکیک گرایش به ابعاد فوق بیشتر یک کار تئوریک است، زیرا در تحقیقات تجربی وقتی که طی آن سه بعد فوق هر یک به معرفتهای قابل سنجش تفکیک و سپس بررسی شدند این معرفتها با هم همبستگی بین ۰/۴۵ تا ۰/۷۵ نشان می دهند. این بدان معنی است که این زمینه ها از یکدیگر خیلی قابل تفکیک و تمایز نیستند (رفع پور، ۱۳۷۲، ص ۶).

همانطوریکه گفته شد، نگرش ها، نوعی خوش آمدنها و بد آمدنهای ما هستند و این باعث می شود که ما در برابر موضوعات مختلف کنشهای مثبت و منفی از خود بروز دهیم. در عین اینکه بیان کننده احساسات ما هستند، مشخصاً با عقاید ما هم در ارتباط هستند. این پیچیدگی باعث شده

تحلیلی جامعه‌شناختی از نگرش زنان نسبت به مالکیت شخصی..... ۶۳

است که با دقت در کیفیت نگرشها، کارکردهای مختلفی را در آن شاهد باشیم، که در این قسمت به برخی از کارکردهای مهم آن اشاره می‌شود:

۱- کارکرد ایزاری: « نگرش‌هایی که به دلایل عملی یا به دلیل فواید شان اختیار کرده ایم به اصطلاح، کارکردی ایزاری دارند. یعنی صرفاً موارد خاصی از تمایل عمومی ما را به کسب نفع یا پاداش و اجتناب از مجازات نشان می‌دهند» (تینکسون، ۱۳۷۰، ص ۲۲۹) این نوع نگرشها چون متکی به ابزار نفع و فایده هستند اگر مواردی تعیین کننده تر و مفید تر یافت شود امکان تغییر و جایگزینی این نوع نگرش راحت تر فراهم خواهد شد.

۲- کارکرد معرفتی: « نگرشهایی که به ما کمک می‌کنند تا محیط خود را درک کنیم و به اطلاعات متنوعی که در زندگی هر روز خود باید فرا بگیریم، نظم می‌بخشند، اصطلاحاً کارکردی معرفتی دارند. این نوع نگرشها اساساً طرح واره‌هایی هستند که مجال سازماندهی و پردازش کارایی اطلاعات گوناگون را به ما می‌دهند، بی‌آنکه مجبور باشیم به جزئیات آن اطلاعات توجه کنیم.» (کریمی، ۱۳۸۶، ص ۲۲۶).

۳- کارکرد ابراز کننده ارزشها: هر فرد برای تصمیم‌گیری، از معیارها و استانداردهایی کمک می‌گیرد که در واقع به آنها ارزش اطلاق می‌کنیم. همین اصل است که زمینه ایجاد نگرشهای ویژه را در افراد فراهم می‌کند. برخی از نگرش انعکاس دهنده ارزشها هستند و چون ارزشها اموری تثبیت شده و پایدار هستند این کارکرد نگرش عمدتاً پایدارند و کمتر و یا به راحتی تغییر نمی‌کنند.

۴- کارکرد مدافع خود سازه: نگرشهایی که از ما در برابر اضطراب یا تهدید به اعتماد به نفس مان محافظت می‌کنند اصطلاحاً کارکرد مدافع خود سازه دارند. دفاع از خود سازه مفهومی است منشاء گرفته از نظریه روانکاوی زیگموند فروید و یکی از ساز و کارهای دفاعی خود سازه که فروید ذکر کرده بود برون فکنی است... احتمال دارد که این نوع احساسها را در خود انکار کند و پس بزند و سپس... ابراز خصومت کند (تینکسون، ۱۳۷۰، ص ۲۳۰).

۵- کارکرد سازگار کننده اجتماعی: « به نظر بلومر معانی مشترکی که مردم در جلوه‌های حیات اجتماعی خویش بر آن توافق کرده‌اند موجب می‌شود که سلسله خطوط کنش خویش را آنچنان تنظیم و متناسب با یکدیگر کنند که میان نقش‌همگی آنها نوعی یکنواختی و همناختی شود.» (تنهایی، ۱۳۷۴، ص ۴۷۹) و در تعبیری دیگر گفته می‌شود که: در مفهوم کنش پیوسته که خود یک

قالب است خطوط کنش متفرق و جدا وجود دارند که بایستی نخست در هم یکی شده و سپس نابود و حذف گردند. این نکته همان مطلب بقای اصلح است که ابتدا کنش در خلال آن با محیط سازگار می گردد، یکی شده [۳] و سپس نابود [۴] می شود. «همان منبع، ۴۸۴» در اینجا می توان گفت که با ورود افراد به گروهها نوعی احساس تعلق به گروه ایجاد می شود و از آن طریق عمل یکی شدن و نابود شدن فرد در گروه اتفاق می افتد که این فرآیند خود به خود موجب سازگاری اجتماعی می گردد.

۶- کارکرد مزیت: از این نظر «مردم بطور مطلوب خواهان ارتباط با افراد یا موضوعاتی هستند که برایشان مزیت داشته، لذا این امر احتمال برقراری رابطه آنها را با افراد یا موضوعاتی که فاقد مزیت هستند به حداقل می رساند.» (لئونارد، ۱۳۷۲، ص ۲۴۱) بنابراین نگرش افراد نسبت به مسائل مختلف موجب می گردد که افراد با توجه به ارزیابی های مختلفی که از پدیده ها به عمل می آورند نسبت به آن بخش که برایشان دارای مزیت است تلاش و حرکت مناسب تری را از خود بروز دهند. (همان منبع، ۲۴۲) بنابراین در این قسمت به نظریه های مربوط به نگرش اشاره می شود.

تنوری فیش باین - آیزن [۵]: طبق این نظریه باید در تبیین رفتار، سراغ نگرش [۶] رفت. زیرا از نظر آنها زنجیره ای از عوامل مختلف، رفتار [۷] را بوجود می آورد. و در این بین یک حلقه واسطی وجود دارد که این ارتباط را تسهیل و تکمیل می کند و آن «قصد و نیت» افراد است. بوجود آمدن «قصد و نیت» به نوبه خود تابع دو متغیر دیگر است:

۱- گرایش^۳ به سوی آن رفتار [۸]

۲- هنجار ذهنی [۹]

متغیر اول (گرایش به سوی آن رفتار) یک متغیر فردی و شخصی است که طی آن فرد انجام یک رفتار (با یک پدیده) را از نظر خودش ارزیابی می کند که آیا خوب است و یا بد است. متغیر دوم نوع (هنجار ذهنی) منعکس کننده، نفوذ و فشار اجتماعی است که شخص آنرا برای انجام یک کاری (رفتاری) احساس و ادراک می کند. «رفیع پور، ۱۳۷۲، ص ۹». دو متغیر گرایش و هنجار ذهنی همواره در کیفیت و کمیت قصد و نیت یکسان و همسو و هماهنگ عمل نمی کنند. عملکرد هر یک به عوامل مختلفی وابسته است. زیرا کنش متقابل اجتماعی هر یک از افراد

۱ - لازم به ذکر است که دکتر رفیع پور معادل کلمه (Attitude) واژه گرایش انتخاب کرده اند.

عبارت از: « فرایندی است که انسان در آن به مدد « قوه تفسیر، رفتار و سلوک [۱۰] خویش را در برابر دیگران شکل می‌دهد و یا سلوک خود را در برابر دیگران و یا موقعیت اجتماعی می‌سازد.» (تنهایی، ۱۳۷۴، ص ۴۵۱). وی در اثر دیگری معتقد است که واسطه‌هایی بین فرد و جامعه وجود دارد که توسط آنها (یعنی آژانس‌های اجتماعی شدن که در حقیقت نماینده جامعه در دنیای مهم [۱۱] افراد است) قصد و نیت افراد شکل خاصی به خود می‌گیرد که این آژانسها عبارتند از: ۱- والدین ۲- دیگر مهم ۳- همالان ۴- تعلیم و تربیت رسمی ۵- انجمنها و جمعیت‌ها (تنهایی، ۱۳۷۴، ص ۷۰). در کنار آن بایستی به ویژگی‌های شخصی فرد و شرایط اجتماعی به معنای اعم کلمه اشاره کرد. بنابراین ممکن است گاهی تأثیر نگرش افراد و گاه هنجارهای ذهنی و اجتماعی و بیشتر باشد. در این تئوری نگرش خود تابع دو عامل دیگر است: انتظار فایده [۱۲] یا باور [۱۳] و ارزیابی فایده [۱۴] انتظار فایده به معنی آن است که یک شخصی تا چه حد از یک پدیده انتظار فایده دارد» (رفع پور، ۱۳۷۲، ص ۱۰) مثلاً در یک شهر فردی (آهنگری) که هیچ گونه ارتباطی با اداره (کشاورزی) ندارد. بنابراین به نظر او این سازمان اصلاً نمی‌تواند برای او کاری کند. اما شخصی دیگر که دارای زمین کشاورزی است و در این زمینه ارتباط تنگاتنگی با آن دارد بنابراین فعالیت اداره کشاورزی برای او دارای فوایدی است. پس «انتظار فایده» منعکس کننده، سر و کار داشتن، نقش و اهمیت در زندگی، میزان نفوذ و تأثیر پذیری، درک و معرفت از آن است به عبارتی دیگر اعتقاد و باور افراد درباره نتایج رفتار می‌تواند در نوع نگرش و تمایل افراد برای انجام رفتاری خاص مؤثر و مفید باشد.

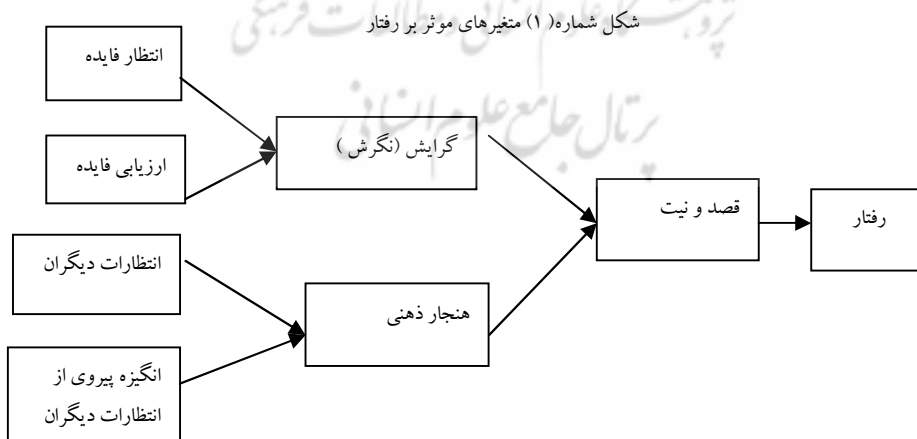
ارزیابی رفتار: طی آن شخصی ارزیابی می‌کند که آیا آن پدیده به نظر او برای او فایده داشته است یا (دارد) یا نه. (همان منبع، ص ۱۰) در مثال فوق دو نفر ذکر شده هر کدام ارزیابی متفاوتی از اداره کشاورزی ارائه خواهند کرد و ممکن است یکی آنرا خوب و مطلوب و دیگری آنرا بیفایده و بی ارزش ارزیابی کند. پس در این نظریه رفتار افراد تابعی از این نوع نگرش دارد که از رفتار چقدر انتظار فایده دارند و این موضوع برای آنها چقدر دارای ارزش است این خود بیانگر تئوری آتکینسن [۱۵] درباره (انتظار × ارزش) می‌باشد.

هنجار ذهنی: بر طبق تئوری هنجارهای ذهنی کنش فردی این گونه فرض شده است که: « نیات فردی به وسیله پذیرش یا گرایش (نگرش) دیگران و ارجاع به آنها شکل می‌یابد. محققان بعدی این فرض را مطرح کردند که مردم چگونه اهمیت ارجاعی اشخاص را در زندگی اجتماعی شان

پذیرفته و چطور به مقایسه این پذیرش ها نسبت به انگیزش مسئولانه می پردازند. معهداً این تصور در ارزیابی اخلاقی افراد و نیز هنجارهای اجتماعی حاکم بر رفتار های آشکار از اهمیتی تام برخوردار می باشد. (تینکسون، ۱۳۷۰، ص ۲۴۳) همانطوریکه مذکور افتاد در این تئوری متغیر هنجار ذهنی بیانگر نفوذ و فشار اجتماعی بر روی یک شخص برای انجام رفتاری ویژه است. به عبارت دیگر اینکه در نظر فرد، دیگران مهم چقدر به عنوان یک مرجع هدایت کننده رفتار او نقش دارند. از این جهت متغیر هنجار ذهنی تابع دو عامل مهم دیگر است.

انتظارات دیگران: «انتظار آنکه یک رفتار خاص از سوی «دیگر افراد مهم گروه» [۱۶] چگونه ارزیابی می شود که از این پس این دیگر افراد مهم را «دیگران» می نامیم.» (رفع پور، ۱۳۷۲، ص ۱۱) دیگران مهم افراد مختلفی هستند که فرد به اشکال مختلف با آنها سرو کار دارد و از آنان «تأثیر» می پذیرد. این پذیرش ممکن است به علل مختلف از جمله جذابیت، قیافه، هوش، توانمندی جسمی به روانی، اجتماعی و ... باشد که فرد خود شاهد ناظر آن بوده و یا از دیگران بنحوی به او منتقل گردیده است.» (تنهایی، ۱۳۸۶، ص ۷۲).

انگیزه پیروی از انتظارات دیگران: افراد برای پیروی از «انتظارات دیگران چه انگیزه و هدفی دنبال می کند. آیا حرف این شخص یا اشخاص مهم برای او مهمند. اساساً در مورد گفتار آنها چه سخنی دارند. بدین ترتیب مجموعه کلیات پیرامون شیوه های اساسی در قالب پارادایم زیر نشان داده می شود (رفع پور، ۱۳۷۲، ص ۱۱).



تحلیلی جامعه‌شناختی از نگرش زنان نسبت به مالکیت شخصی..... ۶۷

نظریه ساپ و هارد[۱۷]: این دو نظریه پرداز در کنار نظریه فیش باین - آیزن یک متغیر دیگری بنام پذیرش اجتماعی[۱۸] افزوده اند. « آنها معتقدند که انتظارات اجتماعی در پیدایش قصد و نیت مؤثر است. بدین منظور آنها به تئوری گروه مرجع[۱۹] رجوع می کنند و آنرا گروهی می داند که « نقش یک چهار چوب مرجع را ایفا می کند ... و عقاید یک سیستم اجتماعی وسیعتری را منعکس می سازد. بدین ترتیب انسان، جهان اطراف خود را از دیدگاه گروه مرجع کلی ادراک می کند(رفیع پور، ۱۳۷۲، ص ۱۲).

بنابراین گروه مرجع می تواند از میان هر مجموعه ای از مردم انتخاب گردد. و از این جهت که یک چهار چوب ارزشیابی را برای اعضاء جامعه فراهم می کند بسیار مهم و اساسی است. مخصوصاً اینکه بدانیم اگر با عضویت در هر گروه اجتماعی، هر یک از اعضاء به دلایل مختلفی خود را موظف به پیروی از آن می دانند. این دلایل ممکن است تحت تأثیر فشارهای هنجاری حاکم بر جامعه باشد و یا اینکه از میزان همشکلی[۲۰] گروه ناشی شود. یعنی هر چه همشکلی گروه بیشتر باشد مثال (روستاها) آنگاه انتظاری رود که افراد بیشتر خود را موظف به تبعیت از گروه مرجع بدانند و از آن تبعیت کنند. بنابراین در یک چنین موقعیتی، همشکلی از فشار هنجاری بیشتر خواهد بود.

روش تحقیق

شناخت و معرفی روشهای مورد استفاده در تحقیق و تطبیق مسائل مطرح شده با آنها کار ساده ای نیست. اما با دقت و ظرافت در شناسایی محتوای مبحث و آشنایی با روشهای تحقیق، امکان تطبیق میان روشها و مسایل طراحی شده فراهم می گردد. روشهای تحقیقات علمی، از «مبانی روش شناختی» برای روشن ساختن و تعیین داده ها در روابط میان واقعیتهای موجود استفاده می شود. یعنی آنچه که در عرصه نظریه های علمی به دست آمده است باید به منظور نشان دادن اهمیت و قدرت خود در عرصه واقعیتها، از طریق مبانی روش شناسی مورد پیگیری قرار گیرد. به همین منظور برای بهره گیری مناسب و درست از این قاعده اساسی و منطقی علمی، باید با طراحی در روشها و تکنیکهای تحقیق به سراغ جهان عینی و واقعی رفت. از آنجا که مسأله مهمی چون «نگرش» از سطح انتزاعی بالایی برخوردار است و در عین حال افراد به راحتی نگرش خود را بیان نمی دارند، بنابراین به راحتی امکان برقراری ارتباط با واقعیت نگرشی به صورت عینی، روشن و بدون ابهام فراهم نیست. لذا ضرورت دارد که از طریق مبانی روش شناسی،

امکان شناسایی این واقعتها را تدارک دید. در پژوهش حاضر، با مراجعه به اسناد و مدارک و با وسواس بسیار از طریق نظرخواهی از افراد جامعه مورد نظر اطلاعات مورد نیاز بدست آمده است.

با توجه به مباحث گذشته و همچنین اهداف تحقیق، این پژوهش از نوع توصیفی است تا با توصیف واقعیت در هر جامعه، شناسایی زمینه های اصلی تحقیق فراهم گردد. از طرف دیگر در کنار توصیف وضع موجود با استفاده از بعضی زمینه ها، تحقیق را در جهت ارزشیابی نگرش زنان سوق داده تا امکان سنجش آن فراهم گردد. در طی این ارزشیابی تلاش بر این است ضمن طراحی فرایندی جهت تهیه داده ها و فراهم نمودن اطلاعات توصیفی زمینه قضاوت در مورد آنها فراهم گردد. سنجش نگرش در جامعه و محیط ما با مسائل و مشکلات زیادی همراه است. از جمله اینکه مردم به دلایل تاریخی و اجتماعی به دیگران از جمله محققین و سؤال کنندگان اساساً اعتقاد ندارند. به همین دلیل هنگامی که مورد سؤال واقع می شوند، عمدتاً سعی میکنند به گونه ای بی اعتمادی خود را نشان دهند. به این ترتیب پر واضح است که مراجعه محقق به اعضاء جامعه عموماً با مشکل مواجه می شود. هم از این جهت که افراد حاضر به همکاری نمی شوند و هم اینکه در ارائه نظرات خود معمولاً نوعی خودسانسوری خواهند داشت. هر چند زمینه انجام این کار ساده نیست اما سعی گردید تا شرایط برای پاسخگو به گونه ای مهیا شود که بخش عمده ای از افراد مورد مراجعه آماده ی پاسخگویی گردند از جمله آنکه:

۱- به افراد نشان داده شود که این تحقیق یک کار علمی است و بنابراین کاملاً محرمانه بوده و بدون نام افراد تهیه می شود. پس کلیه نظرات ارائه شده آنها کاملاً محفوظ خواهند ماند.

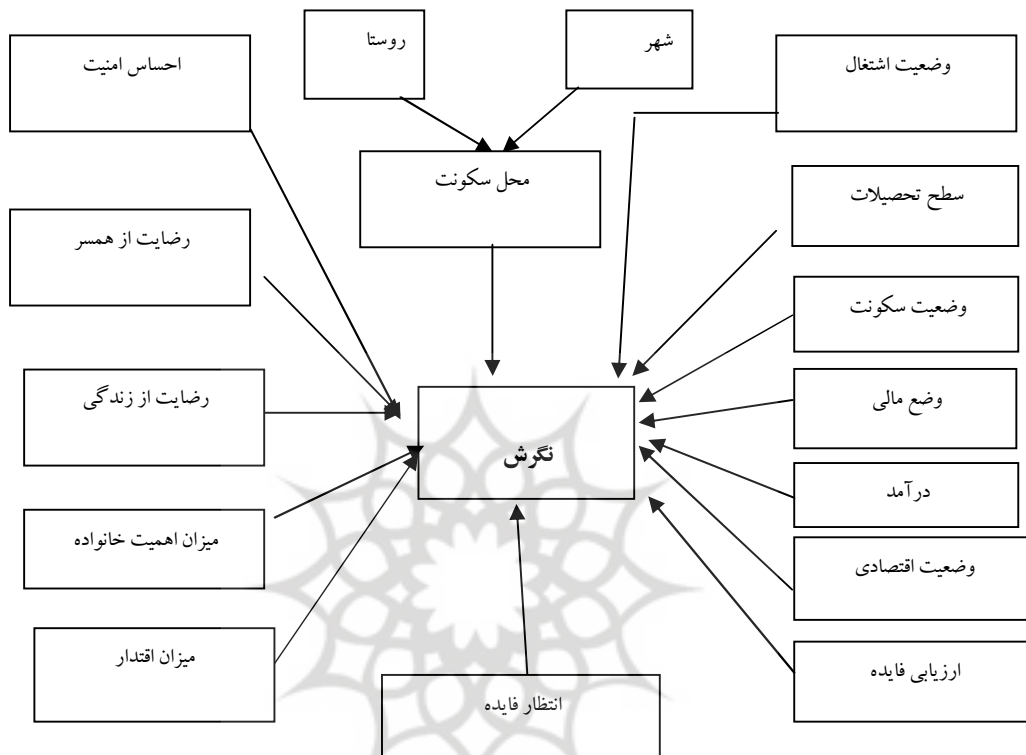
۲- فواید این تحقیق برای پاسخگو تشریح شده تا آنها به پاسخگویی تشویق شوند.

۳- سؤالات به گونه ای طراحی شوند که افراد از عواقب پاسخگویی به سؤالات هیچ گونه هراسی به خود راه ندهند.

به منظور سنجش نگرش زنان نسبت به مالکیت شخصی، متغیرهای ذکر شده در تئوری ها ابتدا به ابعاد ریزتر و قابل سنجش تبدیل گردیدند تا امکان سنجش فراهم گردد. از این رو متغیرهای مناسب در این تحقیق، ارزیابی و انتظارات فایده، وانگیزه پیروی از انتظارات دیگران که بر نگرش و هنجار ذهنی افراد موثر بوده اند به کار گرفته شده اند. مدل ارائه شده در زیر به طور کامل این متغیرها را نشان داده

می دهد:

شکل شماره (۲) علل شکل‌گیری نگرش



جامعه آماری تحقیق حاضر را تمامی زنان بالای ۱۸ سال ساکن در دو شهرستان نوشهر و چالوس تشکیل می‌دهند. بنابراین کلیه کسانی که در محدوده شهرستانهای نوشهر و چالوس ساکن بوده‌اند و در آن زندگی (اعم از سکونت و اشتغال) داشته‌اند مورد توجه قرار گرفتند. بر همین اساس مناطق مسکونی این دو شهرستان ابتدا، شهرهای نوشهر، چالوس، کلاردشت و پول، کجور و سپس روستاهای هر یک از این دو شهرستان مشخص گردید. در این تحقیق به منظور تعیین پایایی آزمون از روش آلفای کرنباخ استفاده گردیده است. این روش برای محاسبه هماهنگی درونی ابزار اندازه‌گیری که خصیصه‌های مختلف را اندازه‌گیری می‌کند به کار می‌رود. با استفاده از داده‌های به دست آمده از این پرسشنامه و به کمک نرم افزار آماری SPSS پایایی با روش آلفای کرنباخ محاسبه شد که عدد ۷۵٪ بدست آمده. این عدد نشان دهنده آن است که پرسشنامه مورد استفاده از پایایی لازم برای انجام تحقیق برخوردار می‌باشد.

۷۰.....پژوهش نامه علوم اجتماعی، سال دوم، شماره سوم، پاییز ۱۳۸۷

در این قسمت برای کسب داده های دست اول و مستقیم برای تجزیه و تحلیل، از پرسشنامه استفاده می شود. پس از مطالعه مقدماتی و تهیه و تدوین ابعاد و مؤلفه ها و متغیرهای مربوط و تعیین شاخصهای مورد نیاز زمینه تدوین پرسشنامه فراهم گردید. سپس سؤالات در قالب یک پرسشنامه تنظیم و پس از مصاحبه با چندین نفر از زنان، ماحصل آنرا در اختیار ۳۰ نفر از کسانی که در زمینه نگرش سنجی و مسایل مربوط به زنان اطلاعاتی داشتند قرار داده شد. آنگاه با توجه به پیشنهادات داوران، پرسشنامه مذکور اصلاح گردید. یعنی اینکه:

۱- جملات به کار رفته در سؤالات به زبانی ساده تنظیم گردید.

۲- از کلماتی استفاده گردید که برای پاسخگویی قابل فهم و درک باشد.

۳- تعداد سؤالات تا حد زیادی محدود به متغیرها و فرضیه های تحقیق گردید.

جدول شماره (۱) متغیرها، شاخصها و سؤالات مربوط به آنها: (متغیرهای تحقیق و ترکیب سؤالات پرسشنامه)

متغیرهای مورد بررسی	شاخصها
موقعیت فردی	وضعیت تأهل، سواد، شغل، سن
موقعیت اقتصادی - اجتماعی	وضعیت سکونت، محل سکونت، داشتن حساب بانکی، مالکیت ماشین.
رضایت از زندگی	رضایت از همسر،
نگرش نسبت به مالکیت	شرط ضمن عقد، دور اندیشی، اعتماد به نفس، برنامه ریزی، جلب رضایت همسر، مشارکت در تصمیم گیری ، اطاعت از دیگران ، فرایند افزایش مشارکت
ارزیابی روشن از مالکیت	برهم زدن آرامش زندگی، ضایع شدن حق، استفاده بهتر از فرصت آموزشی، ایستادن در مقابل همسر، مورد تحسین واقع شدن، مشارکت در تصمیم گیری
میزان اهمیت خانواده	بهبود وضع زندگی خانوادگی، ایستادن مقابل همسر، استعفاء، تاکید بر مالکیت خانوادگی، حفظ مصالح خانواده
انتظار بردن	مورد تحسین واقع شدن، رفتار مناسب
احساس امنیت	لیاقت و دور اندیشی، اعتماد به نفس، استفاده از فرصت آموزش، ترس نداشتن از بیماری، امراض، نگران نبودن از مشکلات سالخورده گی، روز مبادا، کاهش تعرض
روابط بین زوجین	هزینه نکردن بدون رضایت همسر، مشاور خوب برای همسر، پس انداز مطابق میل همسر، نگرانی از تیرگی ارتباط با همسر، تاکید جداگانه آرامش زندگی را بر هم می زند، استعفا به خاطر همسر، صرف نظر از مالکیت به خاطر مصالح خانواده
اقتدار	مهم بودن نظرات، کاهش قدرت استبدادی مردان، خرید مستقل، مشارکت در تصمیم گیری، استقلال مالی، برنامه ریزی برای مالکیت

تحلیلی جامعه شناختی از نگرش زنان نسبت به مالکیت شخصی..... ۷۱

پس از جمع آوری داده ها اطلاعات لازم به وسیله ابزارهای مختلف مخصوصاً از طریق پرسشنامه، همه آنها کد گذاری شده و سپس با وارد کردن به جدول مربوط به نرم افزار SPSS win، ضمن طبقه بندی داده ها، مباحث مربوط به آمارهای توصیفی محاسبه شده و به منظور تأیید یا رد پاسخ سؤالات، فرضیات، از آزمونهای χ^2 ، به کمک جدول متقاطع استفاده شده است.

یافته های پژوهش

فرضیه	روش آماری	آماره آزمون	P - مقدار	نتیجه گیری	شدت همبستگی
رابطه متقابل میان موقعیت خانوادگی و نوع نگرش	جداول متقاطع	$\chi^2=134/99$	۰/۰۰۰۴	معنادار	۰/۶۵۴
رابطه متقابل میان موقعیت اجتماعی و نگرش زنان	جداول متقاطع	$\chi^2=121/99$	۰/۰۰۰۲	معنادار	۰/۷۱۶
رابطه متقابل میان احساس امنیت و نگرش زنان	جداول متقاطع	$\chi^2=288/85$	۰/۰۰۲۷	معنادار	۰/۸۸۵
رابطه متقابل میان میزان اقتدار و نگرش زنان	جداول متقاطع	$\chi^2=189/14$	۰/۰۰۰۳	معنادار	۰/۸۵۳
رابطه متقابل ارزیابی افراد و نگرش زنان	جداول متقاطع	$\chi^2=257/09$	۰/۰۰۰۲	معنادار	۰/۹۰۲
رابطه متقابل بین انتظارات دیگران از فرد و نگرش زنان	جداول متقاطع	$\chi^2=46/76$	۰/۰۰۰۱	معنادار	۰/۴۷
رابطه متقابل بین سن و نگرش زنان	جداول متقاطع	$\chi^2=14/70$	۰/۰۰۰۵	معنادار	۰/۴۷
رابطه متقابل بین محل سکونت و نگرش زنان	جداول متقاطع	$\chi^2=31/96$	۰/043	معنادار	۰/۰۴۳
رابطه متقابل بین شغل و نگرش زنان	جداول متقاطع	$\chi^2=18/84$	۰/۲04	معنادار	۰/۰۴۳
رابطه متقابل بین سن همسر و نگرش زنان	جداول متقاطع	$\chi^2=9/69$	۰/۰۴۶	معنادار	۰/۰۴۶
رابطه متقابل بین متراژ مسکن و نگرش زنان	جداول متقاطع	$\chi^2=22/113$	۰/0۰۱	معنادار	۰/۲۳۴
رابطه متقابل میان نوع مالکیت و نگرش زنان	جداول متقاطع	$\chi^2=16/238$	۰/۰۳۹	معنادار	۰/۰۳۹
رابطه متقابل بین داشتن یا نداشتن ماشین و نگرش زنان	جداول متقاطع	$\chi^2=14/644$	۰/0۰۵	معنادار	۰/۰۵۴
رابطه متقابل بین میزان رضایت از همسر و نگرش زنان	جداول متقاطع	$\chi^2=20/972$	۰/0۲۱	معنادار	۰/۰۴۳

فرضیه ۱: به نظر می رسد بین موقعیت خانوادگی افراد و نوع نگرش افراد مورد مطالعه رابطه معنی داری وجود دارد. روابط متقابل بین موقعیت خانوادگی افراد با نمره نگرش افراد نسبت به مالکیت شخصی (با احتساب نمرات گویه های مربوط) با استفاده از جدول متقاطع انجام گرفت مشخص می کند که با توجه به جدول آماره آزمون χ^2 می توان گفت که چون آماره آزمون ۱۳۴/۹۹ و میزان P - مقدار آن نزدیک صفر است پس آزمون معنی دار بوده و همبستگی و روابط متقابل بین این دو وجود دارد. یعنی کسانی که موقعیت خانوادگی مناسب تری دارند نگرش مثبت تری نیز نسبت به مالکیت دارند. در جدول میزان شدت همبستگی (گاما)ی آندو حدود ۰/۶۵۴ را نشان می دهد.

فرضیه ۲: به نظر می رسد بین موقعیت اجتماعی افراد و نوع نگرش آنان رابطه معنی داری وجود دارد. رابطه متقابل بین موقعیت اجتماعی افراد با نمره نگرش زنان نسبت به مالکیت شخصی که با استفاده از جداول متقاطع انجام پذیرفته است، می توان گفت که چون آماره آزمون عدد بسیار

۷۲.....پژوهش نامه علوم اجتماعی، سال دوم، شماره سوم، پاییز ۱۳۸۷

بزرگ ۱۲۱/۹۹ بدست آمده و میزان P - مقدار آن نزدیک صفر بوده پس آزمون کاملاً معنی دار بوده و رابطه متقابل بین این دو متغیر وجود دارد. یعنی کسانی که دارای موقعیت اجتماعی بالاتری برخوردارند نمره نگرش آنان نیز نسبت به مالکیت به همان نسبت قوی تر است. میزان و شدت همبستگی گامای این دو حدود ۰/۷۱۶ است که نشان دهنده ارتباط بسیار بالا است.

فرضیه ۴: به نظر می رسد بین احساس امنیت زنان در زندگی و نوع نگرش آنان نسبت به مالکیت شخصی رابطه معنی داری وجود دارد.

رابطه متقابل میزان احساس امنیت افراد در زندگی با نمره نگرش آنان نسبت مالکیت شخصی، با استفاده از جدول مقاطع انجام گرفته و یافته ها مشخص می کنند، چون آماره آزمون عدد بسیار بزرگ ۲۸۸/۸۵ به دست آمده و میزان P - مقدار آن نزدیک صفر است پس آزمون کاملاً معنی دار بوده و همبستگی و رابطه متقابل بین آن دو متغیر وجود دارد. یعنی کسانی که احساس امنیت بیشتری در زندگی دارند، نمره نگرش بالاتری نسبت به مالکیت شخصی داشته است. میزان و شدت همبستگی گامای آندو حدود ۰/۸۸۵ را نشان می دهد که همبستگی بسیار بالایی است.

فرضیه ۴: به نظر می رسد بین میزان اقتدار افراد و نوع نگرش آنان نسبت به مالکیت شخصی رابطه معنی داری وجود دارد. رابطه متقابل بین میزان اقتدار افراد (با احتساب نمرات ۱۰ گویه) با نمره نگرش زنان نسبت به مالکیت شخصی و با استفاده از جدول مقاطع انجام گرفت. این یافته مشخص می کند چون آماره آزمون با درجه آزادی ۴ عدد ۱۸۹/۱۴ بوده و میزان P - مقدار آن صفر بوده پس آزمون کاملاً معنی دار بوده و همبستگی و رابطه متقابل بین این دو متغیر وجود دارد ضمناً میزان و شدت همبستگی گامای آندو حدود ۰/۸۵۳ را نشان می دهد.

فرضیه ۵: به نظر می رسد بین نحوه ارزیابی افراد از مالکیت و نوع نگرش آنان نسبت به مالکیت شخصی رابطه معنی داری وجود دارد.

ارتباط متقابل بین نحوه ارزیابی افراد از مالکیت شخصی (با احتساب نه گویه) با نمره نگرش افراد که با استفاده از جدول مقاطع انجام گرفت. می توان گفت که چون آماره آزمون عدد ۲۵۷/۰۹ به دست آمده و میزان P - مقدار آن صفر بوده است پس آزمون کاملاً معنی دار بوده و همبستگی و رابطه متقابل بین این دو متغیر وجود دارد. میزان و شدت همبستگی (گامای) آندو حدود ۰/۹۰۲ را نشان می دهد. که البته میزان شدت همبستگی بین دو متغیر بسیار عالی است. بنابراین با افزایش میزان ارزیابی از فواید مالکیت نمره اخذ شده در نگرش هم به همان نسبت افزایش می یابد.

فرضیه ۶: به نظر می رسد بین انتظارات دیگران از فرد و نمره نگرش ای رابطه معنی داری وجود دارد.

تحلیلی جامعه شناختی از نگرش زنان نسبت به مالکیت شخصی..... ۷۳

ارتباط متقابل بین انتظارات دیگران از فرد (با احتساب سه گویه) و نگرش که با استفاده از جدول متقاطع انجام شد ، با درجه آزادی ۴ می توان گفت که چون آماره آزمون عدد ۴۶/۷۶ می باشد و میزان P - مقدار آن صفر است پس آزمون معنی دار بوده و همبستگی در رابطه متقابل بین این دو متغیر وجود دارد. ضمناً میزان و شدت همبستگی گامای آندو حدود ۰/۴۷ درصد را نشان می دهد . یعنی با افزایش سطح انتظارات دیگران از افراد مورد مطالعه ، به همان نسبت نگرش آنان افزایش یافته است.

فرضیه ۷: به نظر می رسد بین سن زنان و نگرش آنان نسبت به مالکیت شخصی رابطه معنی داری وجود دارد. رابطه متقابل بین سن زنان با نگرش زنان نسبت به مالکیت شخصی نیز با استفاده از جدول متقاطع انجام گرفت ، آماره آزمون X^2 با درجه آزادی ۴، عدد به دست آمده ۱۴/۷۰ بوده و میزان P - مقدار آن نزدیک به صفر ۰/۰۵ است که پس آزمون معنی دار بوده و همبستگی و رابطه متقابل بین این دو متغیر وجود دارد . و زنان جوان تر بیش تر از زنان مسن تر به داشتن مالکیت شخصی اهمیت می دهند.

فرضیه ۸: به نظر می رسد بین محل سکونت افراد مورد مطالعه و نوع نگرش آنان نسبت به مالکیت رابطه معنی داری وجود دارد. رابطه متقابل میان محل سکونت افراد مورد مطالعه (نوشهر با کد ۱، کجور کد ۲ ، روستاهای نوشهر کد ۳ ، چالوس کد ۴ ، کلاردشت کد ۵ و روستاهای چالوس کد ۶) و نگرش نسبت به مالکیت شخصی و با استفاده از جدول متقاطع مشخص می کند که با توجه به داده های جدول آماره آزمون X^2 و درجه آزادی ۱۰ می توان گفت چون آماره آزمون ۳۱/۹۶ از X^2 بزرگتر است و میزان P مقدار آن ۰/۰۴۳ است پس آزمون معنی دار بوده و همبستگی و رابطه متقابل بین آنان وجود دارد. یعنی در مناطق شهری چالوس و نوشهر ، نمره ی نگرش زنان نسبت به مالکیت شخصی بالاتر بوده است .

فرضیه ۹: شغل زنان و نگرش آنان : در بررسی ارتباط میان شغل زنان که در بررسی آماری آن (خانه دار با کد ۱ ، کارمند با کد ۲ ، دانشجو با کد ۳ ، آزاد با کد ۴) و نگرش نسبت به مالکیت شخصی و با استفاده از جدول متقاطع ، آماره آزمون X^2 و درجه آزادی ۱۰ می توان گفت چون آماره آزمون ۱۸/۸۴ از X^2 جدول بزرگتر است و میزان P مقدار آن ۰/۰۴۲ است پس آزمون معنی دار است و بین آنان همبستگی وجود دارد. یعنی زنان کارمند نمره نگرش بالاتری نسبت به مالکیت شخصی کسب نموده اند.

فرضیه ۱۰: به نظر می رسد بین سن همسر و نمره نگرش زنان نسبت به مالکیت شخصی رابطه معنی داری وجود دارد.

۷۴.....پژوهش نامه علوم اجتماعی، سال دوم، شماره سوم، پاییز ۱۳۸۷

به منظور سنجش تاثیر سن شوهران بر نمره نگرش زنان نسبت به مالکیت شخصی، ابتدا گروه های سنی به ترتیب زیر ۳۰ سال با کد ۱، ۳۰/۱ تا ۴۵ سال با کد ۲ و ۴۵/۱ به بالا با کد ۳ مشخص گردید و سپس رابطه آنها با استفاده از جدول متقاطع به دست آمد. آماره آزمون X^2 با درجه آزادی ۴، عدد ۹/۶۹ می باشد و میزان P مقدار آن ۰/۰۴۶ است پس آزمون معنی دار بوده و همبستگی و رابطه متقابل بین این دو متغیر وجود دارد.

فرضیه ۱۱: به نظر می رسد بین متراژ مسکن مورد سکونت افراد و نمره نگرش آنان رابطه معنی داری وجود دارد. همانطوریکه در یافته های توصیفی نشان داده شد ابتدا مساکن افراد مورد مطالعه در چهار گروه دسته بندی شد که طی آن مساحت سکونت افراد تا ۸۰ متر با کد ۱، ۸۰/۱ تا ۱۲۰ با کد ۲ و ۱۲۰/۱ تا ۱۵۰ با کد ۳ و ۱۵۰ متر به بالا با کد ۴ طبقه بندی گردید. و سپس رابطه آنها با استفاده از جدول متقاطع بدست آمد. یافته های حاصل از آن مشخص می کند که با توجه به آماره آزمون X^2 و با درجه آزادی ۴ می توان گفت که چون آماره آزمون ۲۲/۱۱۳ می باشد و میزان P مقدار آن ۰/۰۰۱ است پس آزمون معنی دار بوده و بین این دو داده همبستگی و رابطه وجود دارد.

فرضیه ۱۲: به نظر می رسد بین نوع مالکیت خانه افراد و نمره نگرش زنان نسبت به مالکیت شخصی رابطه معنی داری وجود دارد.

در بررسی ارتباط و همبستگی میان نوع مالکیت افراد مورد مطالعه با نمره نگرش زنان ابتدا نوع مالکیت در خانواده های مورد بررسی مالکیت شوهر با کد ۱، مالکیت زن با کد ۲، مشترک با کد ۳ و پدری با کد ۴ مشخص گردید. سپس داده های به دست آمده با نمره نگرش هر گروه در ارتباط قرار داده شد. داده های به دست آمده از طریق جدول متقاطع و با توجه به آماره آزمون X^2 و درجه آزادی ۸ می توان گفت چون آماره آزمون ۱۶/۲۳۸ از X^2 جدول بزرگتر است و میزان P مقدار آن ۰/۰۳۹ می باشد پس آزمون معنی دار است و بین آندو متغیر همبستگی و رابطه وجود دارد.

فرضیه ۱۳: به نظر می رسد بین داشتن یا نداشتن ماشین و نوع نگرش زنان نسبت به مالکیت شخصی رابطه معنی داری وجود دارد.

در بررسی ارتباط و همبستگی میان داشتن ماشین و نمره نگرش زنان دارندگان ماشین با کد ۱ و فاقد ماشین با کد صفر مشخص گردید. پس داده های بدست آمده با نمره نگرش هر گروه در ارتباط قرار داده شد. داده های به دست آمده از طریق جدول متقاطع و با توجه به آماره آزمون X^2 و درجه آزادی ۴ می توان گفت چون آماره آزمون ۱۴/۶۴۴ از X^2 جدول بزرگ تر است و

تحلیلی جامعه شناختی از نگرش زنان نسبت به مالکیت شخصی..... ۷۵

میزان P مقدار آن ۰/۰۰۵ می باشد پس آزمون معنی دار است و بین این دو متغیر همبستگی و رابطه وجود دارد.

فرضیه ۱۴: به نظر می رسد بین میزان رضایت از همسر و نوع نگرش زنان نسبت به مالکیت شخصی رابطه معنی داری وجود دارد.

در بررسی ارتباط میان میزان رضایت زن از شوهر خود و نمره نگرش نسبت به مالکیت شخصی ابتدا رضایت افراد بر مبنای طیف لیکرت در پنج قسمت از خیلی راضی تا خیلی ناراضی تنظیم شد سپس داده های به دست آمده با نمره نگرش افراد در ارتباط قرار داده شد، داده های به دست آمده از طریق جدول متقاطع و با توجه به آماره آزمون X^2 و درجه آزادی ۱۰ می توان گفت چون آماره آزمون ۲۰/۹۷۲ از X^2 جدول بزرگتر است و میزان P مقدار آن ۰/۰۲۱ می باشد پس آزمون معنی دار است و بین این دو متغیر همبستگی و رابطه متقابل وجود دارد.

نتیجه گیری

با توجه به سوالهای اصلی تحقیق، در یک جمع بندی می توان گفت که نمره نگرش زنان ساکن در شهرستانهای چالوس و نوشهر در حد بالا می باشد. نوع نگرش افراد را با کمک چارچوب نظری مورد نظر تحقیق حاضر بر اساس نتایج بدست آمده از آزمون X^2 (جداول متقاطع) و تحلیل مسیر می توان استدلال کرد که تحت تاثیر متغیرهای اثر گذار زیادی است که در شبکه ای از روابط علی با یکدیگر ارتباط دارند و در مجموع تغییرات کل را به نمایش در می آورند در این مدل احساس امنیت، اقتدار، ارزیابی انتظار فایده، تحت تاثیر موقعیت اجتماعی، سطح تحصیلات، سن، شغل، وضعیت سکونت و موقعیت خانوادگی بر نگرش زنان تاثیر داشته اند. عوامل ساختاری همچون اشتغال در بیرون از خانه، انتظارات دیگران در تمایلات و نگرشهای زنان تاثیر بسیاری از خود بر جای می گذارد و هرچه محیط دست نخورده تر باشد و به دلیل عدم حضور این متغیرهای اثر گذار نمره نگرش زنان نسبت به مالکیت کمتر است.

تغییر در روابط و مناسبات اقتصادی اعضای خانواده این امکان را فراهم آورده است که در ساخت قدرت خانواده دگرگونی ایجاد شود. برخلاف گذشته که شیوه اداره خانواده به سبک پدر سالاری بوده با تغییر در ساخت قدرت اقتصادی زن، زمینه برای مشارکت هرچه بیشتر در تصمیم گیریهای خانوادگی را موجب گشته است. این حرکت که زنان از پشتوانه های اقتصادی خود چه

به صورت مستقیم و یا غیرمستقیم در جهت ایجاد اقتدار لازم کمک گرفته اند فضا را برای ایجاد زمینه های رشد تقویت یک خانواده دموکراتیک فراهم آورده است.

نکته دیگری که توازن قدرت در خانواده را ایجاد می کند ، گسترش مشارکت زنان در کنشهای فردی و اجتماعی در جهت تعیین سرنوشت خود و تاثیرگذاری بر روند و فرایند تصمیم گیری درباره امور خانه و خانواده است که اساساً بسیار مورد توجه قرار گرفته است. از این جهت وجه تصمیم گیری [۲۱] شاخص قدرت در روابط میان زن و شوهر بوده و معیار بسیار مناسبی در راستای تعیین میزان پدر سالاری در خانواده است. از طرف دیگر توان مالی موجب می شود شیوه تصمیم گیری در خانواده تعیین شود. این شیوه می تواند در قالب های مختلفی همچون اجبار به انجام یک کار از طرف دیگران ، تحریک یا مدیریت نرم (بدون خشونت) و در نهایت ترغیب (مدیریت در سایه) صورت گیرد.

بر مبنای یافته های تحلیلی حاصل از تحقیق حاضر می توان گفت زنان در ارائه نگرش خود به نوعی پشتوانه مالی را به عنوان ضمانت اجرای تصمیم گیری شخصی خود در درون خانواده می دانند. بنابراین از میان ابعاد مختلف خانواده، بعد "ساختار توزیع قدرت" از نگاه اکثر تحلیل گران به عنوان مهم ترین و تعیین کننده ترین مولفه شناخته شده است. این ساختار است که می تواند در بروز و ظهور رفتارهای متفاوت افراد در زندگی خانوادگی و اجتماعی موثر باشد. زیرا استدلال منطقی آن است که اساس و بنیان نگرش ها پیرامون مسائل مختلف اجتماعی - فرهنگی در خانواده شکل می گیرد. این امر می تواند نقش بسیار موثری در شکل گیری روابط متقابل اجتماعی میان افراد راسبب شود.

حال اگر در میزان توزیع قدرت در خانواده تفاوتی ایجاد شود ، شکل گیری روابط تازه در میان نقش های اعضای خانواده را سبب می شود. از این جهت هرگونه ای خاص از ساخت قدرت که در نتیجه دست یابی به منابع قدرت از جمله مالکیت شخصی در خانواده و روابط بین اعضای برتری یابد ، رفتارهای متفاوتی را از سوی اعضای درمیدان های اجتماعی - فرهنگی و خانوادگی فراهم می آورد.

بنابراین اگر خانواده ها را به عنوان " نظام قدرت " مورد بررسی قرار دهیم ، خواهیم دید در مواقع حساس زندگی هریک از اعضای سعی خواهند کرد که دیگران را به انجام اموری و یا

ممانعت از انجام کاری و ادار نمایند. و این نشانگر آن است که توزیع قدرت باتکیه بر منابع مختلف می‌تواند نقش تعیین کننده‌ای را ایفا نماید.

از این جهت نگرش مثبت به مالکیت شخصی به عنوان منبع قدرت در خانواده با مفهوم تصمیم‌گیری می‌تواند در قالب ترغیب دیگران (با دادن امتیاز مالی و یا انگیزش‌های دیگر)، اجبار (از طریق تهدید به محروم کردن) و یا ایجاد نگرش تعهد در رفتار (باقبول وابستگی عاطفی) دیده و شناخته شود. درحالی‌که اگر فضای خانواده و تصمیم‌گیری به صورت دموکراتیک باشد آنگاه می‌توان شاهد مشارکت و حضور فعال همه اعضا در فرایند اخذ تصمیم بود. از سوی دیگر تصمیم‌گیری مقتدرانه حاکمیت و محوریت یک فرد را نشان می‌دهد.

نگرش مثبت به مالکیت شخصی به عنوان یکی از منابع قدرت می‌تواند به افراد توانایی ببخشد. به نظر زنان، اگر بتوانند در مراحل اولیه زندگی مشترک تملک بیشتری را در اختیار داشته باشند، زمینه برای فعالیت‌های دموکراتیک‌تر (برابر جویانه‌تر) فراهم می‌شود و در مراحل پیشرفته‌تر می‌تواند نماد اقتدارانه به حساب آید. که در تعاملات بین اعضای خانواده و حتی وابستگان و نزدیکان قابل مشاهده است.

پیشنادهای تحقیق

همانطوریکه قبلاً اشاره شد، عوامل موثر در شکل‌گیری نگرش زنان نسبت به مالکیت شخصی به عنوان یکی از ابزارهای مهم و تعدیل‌کننده قدرت، روابط و مناسبات زنان بسیار متعدّدند بنابراین مطلوب این است که:

۱- به منظور ایجاد هماهنگی میان این تغییر نگرش، زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی مناسب این تغییر در خانواده و اجتماع فراهم گردد. در غیر اینصورت گسست و شکاف عمیقی در روابط زوجین ایجاد می‌کند. و طبیعی است این شکاف موجبات بحران‌های بعدی را فراهم می‌آورد.

۲- نگرش، امری پیچیده و دارای ابعاد مختلفی است و در موارد مختلف وزن هر یک از عناصر تشکیل‌دهنده آن ممکن است نسبت به سایر عناصر از کمیت و کیفیت بالاتری برخوردار باشد. عدم شناخت این قاعده هر نوع اقدام جهت ساماندهی نگرشها و تغییر نگرشها را دچار مشکل می‌نماید. بنابراین ضروری است تحقیقات بیشتری در زمینه نگرش و حوزه‌های وابسته جهت شناخت کامل‌تر شرایط خانواده فراهم آید.

۳- با توجه به یافته های تحقیق مناسب است کسانی که قصد ازدواج با یکدیگر دارند در این حوزه شناخت نسبی از همدیگر داشته باشند در غیر اینصورت تنش ها بسیار خواهند بود. و زمینه متلاشی شدن خانواده را فراهم می آورند.

۴- مطلوب این است که از طرف مسئولین امر از روزنه فرهنگ سازی جهت تعدیل و تنظیم این تغییر نگرش برنامه هایی را تدارک دیده شوند چه در غیر اینصورت تغییر نگرش شدید موجب مقاومت مردان شده و این ایستادگی تخریب کننده خواهد بود. پس لازم است از طریق مدیریت تغییر نگرش فضای مناسب فراهم گردد.

۵- از آنجا که در بین گروههای مختلف اعم از سنی، تحصیلی، محله ای وضعیت نمره نگرش متفاوت است بنابراین به تناسب شرایط هر گروه برنامه ریزی ها تدارک دیده شود.

۶- یافته ها نشان می دهد که تاکید هرچه بیشتر زنان به تملیک اموال و دارایی شخصی و مقاومت همه آنان زمینه ظهور و بروز خودرایی ها را فراهم می آورد. این امر موجب تفرقه و چندگانگی را در میان اعضای خانواده ایجاد می نماید.

۷- یافته ها نشان می دهد که تغییر ساختار اجتماعی تغییر نگرش را امری حتمی و ضروری ساخته است بنابراین مقاومت در برابر آن امری بیهوده است پس مطلوب این است که با مدیریت منطقی مبتنی بر شناخت ساختارهای اجتماعی - فرهنگی و اقتصادی در طراحی و تنظیم تغییر نگرش و ساماندهی آگاهی زنان و مردان و حتی در جامعه پذیری و اجتماعی شدن آنها لحاظ ساخت.

هرگاه یک تحقیق به سرانجام می رسد، محقق پس از گذراندن مراحل پر پیچ و خم و با ملاحظه واقعتهای مختلف در پایان به گزاره های معنایی (فرضیه کیفی) جدیدی دست می یابد که امکان برگشت به ابتدای کار و رعایت آن مسائل ممکن نیست (یا منطقی به نظر نمی رسد) بنابراین مطلوب است که محققان بعدی به نکات زیر توجه نمایند.

۱- به منظور کسب اطمینان از یافته های این تحقیق پیشنهاد می شود در آینده محققان دیگر تحقیق مشابهی را بر روی جمعیت بزرگتر انجام دهند.

۲- از آنجا که نتایج و پی آمدهای ناهمخوانی نگرش های ایجاد شده در زنان با رویه ها و رویکردهای سنتی مردان را می توان در دادگاههای خانواده، طلاق گرفته ها نیز ردیابی کرد بنابراین تمرکز بر روی این بخش از اعضای جامعه می تواند میزان اعتبار این یافته ها را نشان دهد.

تحلیلی جامعه‌شناختی از نگرش زنان نسبت به مالکیت شخصی..... ۷۹

۳- با عنایت به اینکه در این پژوهش تاثیر عوامل زیادی به روی نگرش به طور کلی سنجیده شده است لذا پیشنهاد می شود در تحقیقات بعدی تاثیر هر کدام از عوامل همگن به طور مستقل مورد بررسی و تحقیق قرار گیرد.

پی نوشت ها

1-Evaluation	12-Expectation of an outcome
2-Attitude	13-Belief
3-Fit	14-Evaluation of outcome
4-Merge	15-Atkinson
5-Fishbein & Aizen	16-Significant
6-Attitude	17-Sapp & Harrod
7-Behavior	18-Social Acceptability
8-Attitude toward the behavior	19-Referencegroup
9-subjective norm	20-Conformity
10-conduct	21-Decision Making
11-signification	

منابع

۱. آگ برن؛ و نیم کف (۱۳۵۷). **زمینه جامعه شناسی**. اقتباس امیر حسین آریان پور. تهران: کتابهای جیبی، چاپ یازدهم.
۲. آلپورت، گوردن؛ و دبلیو جونز، ادوارد (۱۳۷۱). **روان شناسی اجتماعی از آغاز تا کنون**. ترجمه محمد تقی منشی طوسی. مشهد: آستان قدس رضوی، معاونت فرهنگی،
۳. اتینکسون. ریتال (۱۳۷۰). **زمینه روانشناسی هیلگارد**. ترجمه محمد تقی برهانی [...و دیگران]. تهران: انتشارات رشد،
۴. اعرازی، شهلا (۱۳۷۴). **جامعه شناسی خانواده ۵۵**. تهران، روشنگران،
۵. اعلامیه فیلادلفیا (۱۹۴۴). **اصل عدم تبعیض**. ضمیمه اساسنامه بین المللی کار،
۶. افروز، غلامعلی (۱۳۷۳). **چکیده‌ای از روان شناسی توییتی**. تهران: انجمن اولیا و مربیان،
۷. اوپنهایم، ادوارد فیلیپس (۱۳۷۵). **طرح پرسشنامه و سنجش نگرش ها**. ترجمه مرضیه کریم نیا. مشهد: آستان قدس رضوی،
۸. باقریان، ابوالقاسم (۱۳۷۹). "باز خورد طلاب و دانشجویان نسبت به حقوق زن در اسلام". پایان نامه کارشناسی.
۹. برکووتیز، لئونارد (۱۳۷۲). **روانشناسی اجتماعی**. ترجمه محمد حسین فرجاد و عباس محمدی اصل. تهران: اساطیر،
۱۰. بنیامین بلوم (۱۳۶۸). **طبقه بندی هدف های پرورشی**. ترجمه علی اکبر سیف و خدیجه علی آبادی. تهران: انتشارات رشد،
۱۱. بیرو، آلن (۱۳۶۷). **فرهنگ علوم اجتماعی**. ترجمه باقر ساروخانی. تهران: انتشارات کیهان،

۸۰..... پژوهش نامه علوم اجتماعی، سال دوم، شماره سوم، پاییز ۱۳۸۷

۱۲. پارسا، محمد (۱۳۷۴). **روان شناسی تربیتی**. تهران: سخن،
۱۳. پاشا شریفی، حسن (۱۳۸۲). **اصول روان سنجی و روان آزمایی**.
۱۴. تافلر، آلوین (۱۳۶۲). **موج سوم**. ترجمه شهیندخت خوارزمی. تهران: نشر نو،
۱۵. تامیلسون، باربارا (۱۳۸۳). **راهنمای سنجش خانواده**. ترجمه فرشاد بهاری [و...دیگران]. تهران: تزکیه،
۱۶. تقوی، نعمت اله (۱۳۷۷). **جامعه شناسی خانواده**. تهران: دانشگاه پیام نور،
۱۷. تنهایی، حسین ابوالحسن (۱۳۸۶). **جزوه درسی جامعه شناسی معرفت**. دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات،
۱۸. تنهایی، حسین ابوالحسن (۱۳۷۴). **درآمدی بر مکاتب نظریه های جامعه شناسی**. گناباد: نشر مردرئیز،
۱۹. تنهایی، حسین ابوالحسن؛ و نکهت، جواد (۱۳۷۸). **شیوه نگارش پایان نامه، مبانی عمومی روش تحقیق**. کرمان: همیار،
۲۰. جاراللهی، عذرا (۱۳۷۴). **اثر اشتغال زنان کارگر بر میزان مشارکت زوجین در امور خانواده**. **فصلنامه علوم اجتماعی**. پاییز و زمستان. ص ۱۳۶.
۲۱. چنیا مبار، جی بی (۱۳۷۲). **مقدمه ای بر جامعه شناسی روستایی**. ترجمه احمد جماران و مصرفی ازکیا. تهران: بی نا،
۲۲. خالی، فضیله (۱۳۶۷). **جایگاه و نقش اشتغال زنان در فرایند توسعه روستایی**.
۲۳. خاوندی زاد اقدم، سعدی (۱۳۸۲). **بررسی نگرش مردم نسبت به ارائه تسهیلات و خدمات ویژه به خانواده های شهدا، جانبازان و ایثارگران**. زیر نظر: دکتر حیدرعلی هومن. دفتر تحقیق و پژوهش اداره تحقیقات و مطالعات (معاونت پژوهش و تبلیغات بنیاد شهید انقلاب اسلامی)،
۲۴. خوارزمی، شهین دخت (۱۳۷۶). **زنان و توسعه**. روزنامه همشهری. شماره ۱۳۴ و ۱۳۵.
۲۵. دانش، عصمت (۱۳۸۲). **اشتغال زنان و مسائل آنها**. تهران: انتشارات دریای اندیشه.
۲۶. رابینز استیفن پی (۱۳۷۴). **مدیریت رفتار سازمانی**. ترجمه پارسائیان و اعرابی. تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی.
۲۷. رتیرز، جورج (۱۳۸۱). **نظریه های جامعه شناسی در دوران معاصر**. تهران: انتشارات علمی
۲۸. رفیع پور، فرامرز (۱۳۷۲). **سنجش گرایش روستائیان نسبت به جهاد سازندگی**. تهران: جهاد سازندگی.
۲۹. ساروخانی، باقر (۱۳۷۵). **درآمدی بر دایره المعارف علوم اجتماعی**. تهران: انتشارات کیهان
۳۰. ستوده هدایت...؛ و بهاری سیف الله (۱۳۸۶). **آسیب شناسی خانواده**. تهران: ندای آریانا
۳۱. ستوده، هدایت ا... (۱۳۸۴). **روانشناسی اجتماعی**. تهران: آوای نور،
۳۲. سگالن، مارتین (۱۳۷۰). **جامعه شناسی تاریخی خانواده**. ترجمه حمید الیاسی. تهران: نشر مرکز،
۳۳. سیف، علی اکبر (۱۳۸۰). **روانشناسی پرورشی**. انتشارات آگاه،

تحلیلی جامعه‌شناختی از نگرش زنان نسبت به مالکیت شخصی..... ۸۱

۳۴. شعبانی، حسن (۱۳۷۱). **مهارت های آموزشی و پرورشی**. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)،
۳۵. شیرکوند، شهرام (۱۳۸۱). ماهنامه علمی آموزشی تدبیر سال ۱۳ شماره ۱۲۵ شهریور ۱۳۸۱.
۳۶. عمید، حسن (۱۳۶۳). **فرهنگ عمید**. تهران: انتشارات امیر کبیر،
۳۷. فرجاده، محمد حسین (۱۳۷۷). **مسائل اجتماعی ایران**. تهران: انتشارات اساطیر،
۳۸. فرجاده، محمد حسین (۱۳۷۲). **آسیب‌های اجتماعی** (ستیزه خانواده و طلاق). تهران: انتشارات منصوری،
۳۹. قرآن مجید (۱۳۸۰). به خط عثمان طه. ترجمه مهدی الهی قمشه‌ای. چاپ ششم.
۴۰. کار، مهر انگیز (۱۳۷۳). **زنان در بازار کار ایران**. ترجمه پروین رئیس فرد. تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان،
۴۱. کرچ، دیوید؛ کراچفیلد، ریچارد اس؛ و بلاکی، اجرتون ال (۱۳۴۷). **فرد در اجتماع**. ترجمه دکتر محمود صناعی. تهران: کتابفروشی زوار،
۴۲. کریمی، یوسف (۱۳۷۸). **روان‌شناسی اجتماعی (نظریه‌ها، مفاهیم و کاربردها)**. تهران: نشر ارسباران،
۴۳. کریمی، یوسف (۱۳۸۶). **روان‌شناسی اجتماعی**. تهران: دانشگاه پیام نور،
۴۴. کریمی، رامین (۱۳۸۵). "رشد اخلاقی کودکان". **روزنامه همشهری** ۳۱ فروردین.
۴۵. کمالی، محمد (۱۳۸۶). "تأملی در آموزش برای تغییر نگرش". **مجله درمانگر** سال ۴ شماره ۱۳ بهار.
۴۶. معین، محمد (۱۳۸۱). **فرهنگ یک جلدی فارسی معین**. به اهتمام عزیزاله علیزاده. تهران: معین،
۴۷. مهرآرا، علی اکبر (۱۳۷۳). **زمینه روانشناسی اجتماعی**.
۴۸. مهرپور، حسن (۱۳۷۹). **مباحثی از حقوق زن**. تهران: انتشارات اطلاعات،
۴۹. هاشمی، سید محمد (۱۳۸۲). **حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران**. ج اول.